

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و خير الصلاة و السلام على خير خلقه ، حبيب اله العالم أبي القاسم محمد و

على آله الطيبين الطاهرين المعصومين و اللعن الدائم على أعدائهم أجمعين

من الآن الى يوم الدين .

عنوان درس : اصول قطعيه

استاد : حضرت آيت الله سيّدان

بررسی و تبیین اصول و مبانی قطعی توحید و خداشناسی مذهب تشیع

جهت شناخت تمایزات و اختلافات معارف و حیانی پیشوایان شیعه در مقابل آراء و افکار بشری

چکیده توسط محمد جواد انصاری

www.mosafer8325.blog.ir

اصل « إِنَّ اللَّهَ مَعَ كُلِّ شَيْءٍ »

سوره حدید ؛ آیه ٤

لينك صوت : <http://www.seyyedan.com/audio/1280/referer:1>

« هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا

وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ » (٤)

« . . . و او با شما است ، هر جا که باشید، و خدا به آنچه می کنید بینا است » (٤)

ترجمه تفسیر المیزان، ج ١٩، ص: ٢٥٠

شماره نوار صوتی در سایت : ١٤٧٣٥٨٦٥٦٤٩٥٦٢٠

اصل « إن الله مع كل شيء » بدین معناست که خداوند متعال با همه اشیاست و با مخلوقات معیت دارند .

لازم به یادآوری است هرچند این اصل با اصل « هو داخل فی الاشیاء لا کدخول شیء فی شیء » تلازم و همراهی دارد اما با یکدیگر تفاوت هایی نیز دارند که بعداً به آنها اشاره خواهد شد .

اولین آیه ای که به اصل فوق اشاره می کند آیه ۴ سوره حدید می باشد :

وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤﴾

« . . . و او با شما است ، هر جا که باشید ، و خدا به آنچه می کنید بینا است » (۴)

ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۹، ص: ۲۵۰

ایشان در ادامه به نحوه استنباط و استناد خویش به آیه و احادیث برای اثبات اصل معیت اشاره نکرده و به قرائت چند حدیث اکتفا می کنند .

حدیث ۱ : کتاب توحید ، شیخ صدوق ره ، باب ۲۸ ، حدیث شماره ۲۱

. . . عن الحارث الأعور

عن علی بن ابی طالب علیه السلام : « إن الله عز وجل ليس بينه وبين خلقه حجاب لأنه معهم أينما كانوا »

امام امیرالمؤمنین علیه السلام به شخصی که نسبت به خداوند تبارک و تعالی تصویری اشتباه داشت ، فرمود : « همانا بین خدای عزوجل و خلقش حجایی وجود ندارد ، زیرا خلق هر جا که باشند خداوند با آنان بوده » . آن شخص از امام سوال

می کند کفارۀ سخنان اشتباهی که در سوگند و قسم خویش به خداوند نسبت داده ام چیست ؟ امام فرمود :

« أن تعلم أن الله معك حيث كنت » « اینکه بدان البتۀ خداوند سبحان هر جا که باشی با توست و بر تو احاطه دارد ، و مکان خاصی ندارد بلکه فوق مکان و مکانیّات است » .

البتۀ باید توجه داشت معیت در آیه « وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ » غیر از معیت و همراهی است که در برخی آیات مثل آیه

« ان الله مع المحسنين » و . . . ذکر شده است . معیت و همراهی در آیه مورد بحث ، معیت تکوینی و قیومیت است به

خلاف همراهی خداوند سبحان با بندگان از نظر کمک کردن آنها ، دوست داشتن آنها ، یاری آنها و . . .

و همچنین ، تعبیر به معیت ذاتی نمی کنیم تا کسی دچار ایهام و اشتباه نشود .

حدیث ۲ : کتاب توحید ، شیخ صدوق ره ، باب ۲۸ ، حدیث شماره ۱۲

... عن أبي إبراهيم موسى بن جعفر ع أنه قال: « إن الله تبارك و تعالی كان لم يزل بلا زمان و لا مكان ، و هو الآن كما كان ، لا يخلو منه مكان ، و لا يشغل به مكان ، و لا يحل في مكان ، ما يكون من نجوى ثلاثة إلا هو رابعهم و لا خمسة إلا هو سادسهم و لا أدنى من ذلك و لا أكثر إلا هو معهم أين ما كانوا ۱ ، ليس بينه و بين خلقه حجاب غير خلقه ، احتجب بغير حجاب محجوب ، و استتر بغير ستر مستور ، لا إله إلا هو الكبير المتعال . »

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند : البته خدای تبارک و تعالی ازلاً بوده بدون آنکه زمان و مکانی داشته باشد ، و او اکنون نیز همانگونه است ، و مکانی خالی از او نیست ، و مکانی او را در بر نگرفته و او نیز در مکانی حلول نموده است ، خداوند سبحان می فرماید « سه تن با یکدیگر به سر سخن نمی گویند مگر آنکه او چهارمین آنان است ، و نه پنج تن مگر آنکه خداوند ششمین آنان است و نه کمتر از این تعداد و نه بیشتر از آن مگر آنکه خداوند سبحان با آنانست هر جا که باشند » ، بین خداوند و مخلوقش حجاب و پرده ای نیست غیر از خود خلق (که مخلوقیت آنان سبب تمایز سنخ وجود آنان با حق متعال گشته و حجاب بین خداوند و آنان می باشد) ، پس اگر خداوند محتجب از مخلوقات است ؛ محتجب است به حجایی که از سنخ حجاب ها و پرده های مادی نیست ، و (نیز) مستتر و پوشیده است از مخلوقات ؛ اما نه پوششی مادی که سایر موجودات را از هم می پوشاند ، (پس) معبود به حقی نیست مگر او که بزرگ و برتر است . »

حدیث ۳ : کتاب توحید ، شیخ صدوق ره ، باب ۲۸ ، حدیث شماره ۳

عن أبي عبد الله عليه السلام قال: « جاء خبر من الأحرار إلى أمير المؤمنين عليه السلام فقال له : يا أمير المؤمنين ، متى كان ربك ؟ فقال له : ثَكَلَتْكَ أُمُّكَ ، و متى لم يكن حتى يقال متى كان ؟ كان ربِّي قبل القبل بلا قبل ، و يكون بعد البعد بلا بعد و لا غاية ، و لا منتهى لغايته ، انقطعت الغايات عنه ، فهو منتهى كل غاية . . . »

مردی از دانشمندان یهود نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمده عرضه داشت : یا امیرالمؤمنین ، پروردگارت چه زمانی بوده ؟ حضرت به او فرمودند : . . . و چه وقتی را می توان تصور نمود که خداوند در آن هنگام نبوده تا در حق او و بودنش این سوال مورد داشته باشد ؟ پروردگار من بود قبل از هر قبلیتی که مربوط به زمان است (و قبلیت او قبلیت زمانی نیست که بتوان قبلیتی برایش تصور نمود) ؛ و (نیز) بعد از هر بعدیت زمانی هست بدون اینکه بعدیت خودش از سنخ بعدیت زمانی

۱ (۲). المجادلة: ۷.

باشد ، و انتها ندارد ، و آخریتش را پایانی نیست ، غایات از او منقطع است (بدین معنا که هیچگونه انتها و به آخر رسیدنی برایش متصور نمی باشد) ، پس او پایان هر مسیری است که مخلوقات برای وصول به غرض خلقتشان آن مسیر را طی می نمایند . . . »

تا اینجا صرفاً عنوان مطلب بیان شد (بدون جمع بندی) ، و بدون اینکه به خصوصیات اشاره ای شود و اینکه از معیت قیومیت یا تکوینی ، چگونه تعبیر شده بحثی جداست ؛ در عین اینکه کیفیت آن را هرگز نمی فهمیم مانند غالب مطالبی که در ارتباط با خداوند نسبت به خلق وجود دارد و درک کیفیت و چگونگی آنها ممکن نیست .

در جلسه بعد به خصوصیات در احادیث اشاره خواهد شد که نشان می دهد معیت مذکور ، معیت تکوینی است و قول کسانی که معتقدند خداوند حلول کرده ، باطل است .

و السلام